



سوسیالیسم

مبارزه طبقاتی

نشریه ای سیاسی-

تنوریک سوسیالیستی

شماره: 8 15 جولای 2012



در این شماره می خوانید:

▪ کردستان پس از جمهوری اسلامی

صفحه 2

▪ نظری مختصر در مورد اولین نشست مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

صفحه 10

▪ برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان

صفحه 13

▪ گران شدن نان یعنی تحمیل فقر و فلاکت بیشتر

صفحه 20

▪ ضرورت مبارزه متحدانه برای کاهش هزینه سرسام آور اجاره مسکن

صفحه 22

مسئول تهیه و تنظیم نشریه: بهروز ناصری

صفحه آرایی و تصحیح: شورش عباسی

E mail: bnasari@hotmail.com

کارگران ایران متحد شوید

اول: آیا حکومت اسلامی ایران در نتیجه رودروئی با کشورهای غربی از پا در می آید؟ و دگرگون میشود؟

کردستان

پس از جمهوری اسلامی

مقدمه

ظاهر قضیه اینست که اختلافات رژیم اسلامی ایران و کشورهای غربی حل نشدنی بنظر برسند که موضوع برنامه‌ی هسته‌ای یکی از این مسائل مورد مناقشه بین آنانست. ظاهراً هرکدام از طرفین بر خواستهای خود پافشاری میکنند، اما اشتراک منافع رژیم اسلامی و کشورهای غربی، و رای هر تبلیغاتی که اینها علیه یکدیگر بکار بگیرند و اختلافات بین دول غرب و حکومت اسلامی واقعی هم باشند، اما همین اشتراک منافع است که آنها را بسوی سازش سوق داده و به همان نسبت

جنگ بین غرب و رژیم اسلامی را نامحتمل میسازد. امروزه اگر ریز و درشتان رژیم اسلامی ظاهراً در یک صف ایستاده و بر غنی کردن اورانیوم تا 20 درصد و بیشتر، اصرار دارند، به این دلیل است که حاکمان اسلامی در ایران غرب را تهدید جدی علیه حاکمیت خود تلقی نمیکند. قایم موشک بازی و مذاکرات غیر جدی و کش دادن زمانی مسئله مورد مناقشه، روشهایی است که از هر دو سوی مذاکره کنندگان دنبال میشود. اگر رژیم اسلامی؛ غرب را تهدید جدی قلمداد کند و خطر جنگ را واقعی بداند، تا این حد که حاکمیت و هستی خود را در این مناقشات در خطر ببیند، در عقب نشینی کردن و تن دادن به خواستهای آمریکا تردیدی بخود راه نمیدهند. تمام غنی سازیها را متوقف میکنند و شخص رهبر بار دیگر جام زهر سر میکشد. در بازار مکاره هیاهو و جنجال بپا میکنند، تا واقعیات در گرد و خاک برخاسته از آن گم شود.

مسئله تنها تقابل و رودروئی رژیم اسلامی با اروپا و آمریکا نیست. فراتر از این مسئله تقابلات منافع سرمایه‌های مختلف و قطبهای مختلف سرمایه است. سرمایه‌هایی که از سوی روسیه و چین سخنگویی میشوند. مسئله ایران در میان منافع قطبهای سرمایه داری تنیده شده است. اگر در دوران جنگ سرد جهان دوقطبی بود، دوران بعد از جنگ سرد را دنیای چند قطبی شکل داده که کشمکشهای موجود نمودهایی از نوع جدلهای دنیای چند قطبی هستند.

در این اوضاع اگر جمهوری اسلامی ایران در مقابل دو موضوع 1- از حاکمیت ساقط شدن و سرنگونی و 2- دست کشیدن از غنی سازی اورانیوم و متوقف کردن کلیه فعالیتهای هسته‌ای، قرار بگیرد، بدون تردید جمهوری اسلامی گزینه دوم را انتخاب میکند. پافشاریهای امروز برای ادامه برنامه هسته‌ای در شرایطی روی میدهد که غرب تنها به فشار آوردن از طریق تحریمها روی آورده است و این سیاست غرب به معنی این نیست که غرب خواستار عوض کردن رژیم باشد.

اینکه آینده ایران چگونه خواهد بود و به کجا منتهی میشود، موضوع بازی هست و در این رابطه میتوان احتمالات مختلفی را مورد بررسی قرار داد. آیا جمهوری اسلامی با یک انقلاب توده‌ای - مثل انقلاب 1357- سرنگون خواهد شد؟ آیا جمهوری اسلامی طی پروسه‌ای و در رودروئی با عوامل بیرونی - مثل تقابلات رژیم اسلامی با دول غربی بر سر مسائل مختلف از جمله مسئله هسته‌ای و داعیه قدرت منطقه‌ای و... - تحولاتی از سر خواهد گذراند؟ یا اینکه شرایط موجود که سرکوبگری و تحمیل فقر به توده‌های کارگر و زحمتکش وجه مشخصه آنست، ادامه خواهد یافت و در نتیجه ادامه بحرانها و اعتراضات توده‌ای اما محلی و نه سراسری، تضعیف شده و به یک رژیم پوسیده تبدیل میشود؟

قدر مسلم اینکه نمیتوان در مورد هیچکدام از سوالات و احتمالات فوق حکمی صادر کرد. اما میتوان هر احتمال را تجزیه و تحلیل نموده و چشم انداز سوسیالیستی در ورای هر کدام از احتمالات فوق را مورد اشاره قرار داد.

هدف اصلی این مقاله پرداختن به کردستان بعد از جمهوری اسلامی است. اما در پرتو این بحث، موضوعات و مسائلی دیگری که به هدف اصلی این مقاله ربط پیدا میکنند، موضوعیت می‌یابند که اگر چه مختصر هم بوده باشند، مورد بحث و اشاره قرار میگیرند.

آینده ایران

اکنون دو گزینه بزرگ اما متضاد در شکل دادن آینده ایران قابل بحث و بررسی اند. اشاره به این دو گزینه به معنای نفی یا نادیده گرفتن اشکال دیگری که در این میان مطرح باشد نیست، ولی بررسی این دو گزینه از اهمیت و مطرح بودن آنها نشأت میگیرد و نه نفی گزینه‌های دیگر.

این آن سوال بزرگی است که پاسخ به آن مشکل میباشد. برای آسان سازی پرداختن به مسئله انقلاب در ایران مولفاتی در له وقوع انقلاب و همچنین موانع بازدارنده سر راه انقلاب، مورد اشاره قرار میگیرند: مولفاتی در له انقلاب دیگر در ایران از زاویه یک کارگر کمونیست

- با کسب قدرت سیاسی توسط حزب الله ، انقلاب 1357 ایران شکست خورد و جمهوری اسلامی از همان اول قدرت گیری اش دستاوردهای انقلاب را یکی پس از دیگری از بین برد.
- خفقان وحشت آوری بر ایران مسلط شد. نیروهای سیاسی قلع و قمع شدند. فعالیت سیاسی ممنوع گردید.
- زندانها پر از زندانی و دهها هزار نفر اعدام شدند. حکومت اسلامی هیچ مخالفتی را تحمل نکرده و همه را از دم تیغ میگذرانند.
- از نظر اقتصادی، زندگی توده های مردم بطور عام و کارگران مخصوصا روز به روز بدتر گردیده و جمهوری اسلامی زندگی فلاکتباری را به کارگران و زحمتکشان تحمیل کرد.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون کار این حکومت، تماما در دفاع از سرمایه داران نوشته شده و کارگران ایران از ابتدائی ترین حقوق خود محروم هستند حق اعتصاب، حق تجمع، حق فعالیت صنفی و سیاسی و... از جمله آنهاست . کارگران حق تشکیل سازی ندارند و تشکلهای موجود خانه کارگر و ... نهادی حکومتی هستند که هدفشان همان اهداف رژیم اسلامی است.
- جمهوری اسلامی یک رژیم آپارتاید جنسی است و زنان از زوایای مختلف تحت ستم قرار دارند...
- کودکان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یکی از محرومترینها هستند که شرایط زیستی و تحصیلی آنها تابعی از شرایط خانوادگی آنهاست. در شرایط امروز خانواده های کارگران و زحمتکشان را فقر طاقت فرسایی فرا گرفته است و کودکان این خانواده ها اولین قربانیان این شرایط فلاکتبارند...
- تحصیل کردن در ایران یکی از نامناسبترین و دشوارترین شرایط را داراست که آموزش خرافات مذهبی یکی از مهمترین اصول آموزش اسلامی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد...
- در جمهور اسلامی اقلیت جامعه به ثروتهای

تغییر رژیم ایران رسماً سیاست هیچکدام از کشورهای غربی نیست. آنها میخواهند با اعمال تحریمها، به رژیم اسلامی فشار وارد ساخته و آنرا به تمکین وادارند. کما اینکه در جریان این تحریمها این توده های کارگر و زحمتکش هستند که تحت فشار واقعی قرار میگیرند و نه حاکمان اسلامی ایران. درست به همین دلیل جمهوری اسلامی تحریمها را مستقیماً تهدیدی در رابطه با ساقط شدن حکومتش نمیداند.

جمهوری اسلامی در شرایطی تن به عقب نشینی میدهد که تهدید دول غرب بر حاکمیتش را جدی تلقی کند. اما دول غربی وارد این فاز نمیشوند زیرا منافع آنان تغییر رژیم اسلامی ایران را ایجاب نمیکند:

(1) تقابلات بین رژیم ایران با غرب و مشخصاً آمریکا، نمونه ای از کشمکشهای دنیای چند قطبی سرمایه داری است. آمریکا نمیخواهد با چین و روسیه که متحدان رژیم ایران هستند وارد جنگ نظامی شود. در آن سوی دیگر، دفاع روسیه و چین از رژیم اسلامی ایران ناموسی و تغییر ناپذیر نیست. اینجا تداوم منافعها هست که اندازه حمایت از رژیم اسلامی را تعیین میکند. کشمکش بر سر منافع در درجه اول اقتصادی، ایجاب میکند که اگر وضعیت به نفع سرمایه های چینی و روسی نچرخد، حداقل وضعیت موجود را نگه دارند. و این یعنی سازگار شدن با ناآرامیها و در این میان تلاش برای مهار بحراناها و برگرداندن ثبات منطقه در حداقل میان مدت.

(2) کشورهای غربی و آمریکا هم با رژیم اسلامی ایران دارای منافع مشترک و ترس مشترک هستند. در رابطه با منافع مشترک : از نظر اقتصادی الگوهای اتخاذ شده از سوی جمهوری اسلامی همان الگوهای جناح راست لیبرالیسم است. پس در این عرصه استدلال زیادی لازم نیست تا این همسویی نشان داده شود. همزمان دول غربی و در راس آنها آمریکا آلترناتیو مناسب و جایگزینی برای جمهوری اسلامی ندارند و به همین دلیل جمهوری اسلامی را بر آلترناتیوهای دمکراتیک که در آن حقوق کارگران و مردم برسمیت شناخته شود، ترجیح میدهند. ترس مشترک دول غربی و رژیم اسلامی از صعود مبارزاتی طبقه کارگر ایران و جنبشهای توده ای و سوسیالیسم در ایران است. ترس از رادیکالیزه شدن ایران و به قدرت تبدیل شدن کارگران، نه تنها جناحهای مختلف درون رژیم اسلامی را علیرغم هر نوع اختلافی با هم متحد میکند، بلکه دول غرب و رژیم اسلامی را هم به سازش با یکدیگر و یافتن راه حلی وامیدارد.

دوم : آیا حکومت اسلامی ایران از طریق یک انقلاب دیگر شبیه انقلاب 1357 سرنگون میشود؟

برخوردارند....

ایران از نظر اقتصادی عمدتاً به یک کشور تک محصولی - صادرات نفت- شناخته شده است. جمهوری اسلامی با تسلط و کنترل کامل بر صنعت نفت، درآمدهای نفتی، بخشی به دولت و ارگانهای حکومتی و نیروهای سرکوبگر نظامی اختصاص یافته است. درآمد های نفتی کمک کننده بوجود آمدن قشر متوسط در جامعه شده است. طبقه متوسط بر اساس منافع طبقاتی خود، حسابگرانه برخورد کرده و بر اساس منافع طبقاتی، طبقه متوسط با همزیستی با جمهوری اسلامی در طول سالها کنار آمده بود. نقش منفی قشر متوسط جامعه یکی از عوامل بازدارنده در حرکت بسوی انقلاب علیه جمهوری اسلامی است که نمیتوان از آن چشم پوشید....

- توهم بخشی از توده های زحمتکش نسبت به جمهوری اسلامی، یکی دیگر از موانع وقوع انقلاب است. در یک جامعه 70 میلیونی، که کارگران و زحمتکشان اکثریت این جامعه را تشکیل میدهد، اگر فرض کنیم 50 میلیون از توده ها نسبت به اعتراضاتی که به وضع موجود دارند، آفاق و تصویر حداقل روشنی از چهارچوب آینده و نوع حکومت آتی میداشتند، اگر توده های کارگری در بعد اجتماعی و میلیونی عدم سازمانیابی توده ای خود را به عنوان سوال بزرگی در مقابل خود میدیدند و دخالت در عرصه سیاسی برای تعیین تکلیف با وضع موجود تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را امر خود میدانستند، اگر توده های میلیونی کارگر و زحمتکش بر این نکته واقف بودند که مذهب امر خصوصی افراد است و مذهب بایستی از دولت و کلیه امور کشوری، آموزشی جدا شود و همین که حالا در ایران هست بخشی از علل فلاکت آنها، از آن نشأت میگیرد، و اینکه مذهب ابزاری در دست سرمایه داران جهت استثمار و کسب سود بیشتر و تخدیر آنهاست و اگر این توده های وسیع این توافق عمومی را میداشتند که فعالیتهای سیاسی باید در ایران آزاد باشد و هیچکس بعلت آزادی بیان، داشتن عقیده ای متفاوت و انجام فعالیتهای سیاسی، فرهنگی مخالف تحت تعقیب قرار نگیرد و دستگیر و اعدام نشود، جمهوری اسلامی تا امروز دوام نمی آورد و تاکنون شاهد انقلاب دیگر از نوع انقلاب 57، اما اینبار علیه جمهوری اسلامی میشدیم. جمهوری اسلامی در نگه داشتن توهومات در جامعه تا حدودی موفق بوده است. اینکه رژیم اسلامی برای نگه داشتن این توهومات از ابزار سرکوب و نیروهای انتظامی استفاده کرده و وحشت و خفقان را بر بالای سر جامعه نگه داشته، هم تردیدی نیست.

- رابطه بین جنبش کمونیستی ایران و جنبشهای اجتماعی و بویژه جنبش کارگری هم در جای خود قابل بحث است. مهمترین موضوع در این رابطه از اینجا شروع میشود که در جامعه اختناق زده ایران که فعالیت سیاسی احزاب

- در جمهوری اسلامی اقلیت جامعه به ثروتهای کلان و نجومی دست یافته اند و در این شرایطی است که اکثریت عظیم کارگران در فلاکتبارترین شرایط کار و زندگی میکنند و فقر کمرشکنی توده ها را فرا گرفته....

- تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اقلیتهای ملی تحت ستم قرار داشته و مناطق جغرافیای که اقلیتهای ملی ساکن هستند، در عقب ماندگی اقتصادی نگه داشته شده اند. همه قدرت سیاسی و اقتصادی در مرکز ایران متمرکز شده است....

- تحت حاکمیت رژیم اسلامی ایران اعتیاد و سایر مصیبتهای اجتماعی به پدیده های عادی جامعه ایران تبدیل شده است....

...

جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک حکومت سرمایه داری که تابعی از الگوهای راست لیبرالیستی است، زندگی غیر انسانی و مشقت باری را برای کارگران و زحمتکشان بوجود آورده و کارگران و اکثریت مردم ایران با سرنگون کردن جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب و برپایی یک حکومت شورایی و کسب قدرت سیاسی و اقتصادی میتوانند نوید دهنده دنیای نو نه تنها برای کارگران، بلکه اکثریت توده ها باشند.

موانع برپایی انقلاب علیه جمهوری اسلامی

علیرغم اینکه سایه شوم فقر و فلاکت بر زندگی کارگران و زحمتکشان ایران سایه انداخته است، نکات زیر مهمترین موانع جهت بوقوع پیوستن انقلاب و ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه محسوب میشوند:

جمهوری اسلامی ایران یک حکومت سرکوبگر است و برای یک حکومت مستبد و سرکوبگر توجه ویژه به تقویت عرصه نظامی و افزایش تعداد نظامیان در ارتش، سپاه پاسداران و بسیج یکی از اولویتهای رژیم اسلامی بوده است. مقامات رژیم اسلامی در مورد تعیین بودجه در عرصه های اقتصادی و سیاسی به چانه زنی می پردازند، ولی در تعیین و افزایش بودجه عرصه نظامی کمترین چانه زنی بوجود نمی آید. جمهوری اسلامی با استفاده از ابزار سرکوب و بکارگیری نیروهای مسلح و انتظامی برای مرعوب کردن و سرکوب اعتراضات توده ای و کارگری، زیر لوای حفظ امنیت ملی و ممانعت از اغتشاش، در طول بیش از سه دهه هیچگاه کوتاهی نکرده است. جمهوری اسلامی، سرکوب و نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران مکمل یکدیگرند و اینها با هم تداعی میشوند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بیش از 500 هزار نفرند، از ظرفیت بالایی در سرکوب اعتراضات اجتماعی

کردستان بعد از جمهوری اسلامی

تا اینجا تلاش بعمل آمد تا سیمای وضعیت عمومی کشور ترسیم گردیده و مساله کردستان در پرتو این اوضاع عمومی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در شرایطی که جنبش توده ای پایه های حکومتی جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد و سرنگونی رژیم به امر قریب الوقوعی تبدیل شود، چه آینده ای در انتظار کردستان خواهد بود؟ طبعاً از زاویه های مختلف میتوان پاسخهای متفاوتی به این سوال ارائه داد. ولی تلاش این مقاله اینست که از زاویه دفاع از سوسیالیسم در ایران به مسئله کردستان بپردازد.

کردستان آزاد

به دلایل زیادی، از جمله ستم ملی بر مردم کردستان، وجود احزاب سیاسی و سیاسی بودن مردم کردستان، میتوان این پیش بینی را داشت که در فردای اعتلای انقلابی در ایران، کردستان یکی از اولین مناطقی باشد که در جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی نقش موثری ایفاء کند.

به این معنی که مردم کردستان در ابعاد میلیونی به عرصه سیاسی وارد و خواستار متحقق شدن حقوق سیاسی و اقتصادی خود شوند.

یکی از اولین اقدامات جنبش انقلابی در کردستان برچیدن انواع دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی در کردستان است. با برچیده شدن دستگاه سرکوب حکومت مرکزی، کردستان از وجود سرکوبگران جمهوری اسلامی آزاد خواهد شد.

کردستان آزاد سنگری برای دفاع از انقلاب و آزادیخواهی است و کردستان همین نقش را برای سالها بعد از انقلاب 1357 هم ایفا کرد. منظور از کردستان آزاد در اینجا اینست که نیروهای سرکوبگر حکومت مرکزی در کردستان بساطشان را جمع کرده اند و نیروهای پیشمرگ و مردم مسلح امنیت منطقه کردستان را تامین میکنند.

کردستان آزاد که نتیجه ی اعتلا و صعود جنبش انقلابی توده ای علیه جمهوری اسلامی است، دستاوردهایی بوجود می آورد که مهمترین آنها وجود آزادیهای سیاسی، آزاد بودن فعالیت سیاسی و بوجود آمدن تشکلهای مختلف توده ای و کارگری و انواع فعالیتهاست.

اینکه بر اساس یک آلترناتیو سوسیالیستی برای کل ایران، آینده کردستان چگونه خواهد بود، را میتوان با استناد به «برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان» پاسخ

منوع است، احزاب سیاسی از بستر اصلی فعالیتهاشان جدا شدند. و به همان اندازه که فاصله زمانی این جداییها بیشتر شد، ارائه برنامه ای عملی (پراتیکی) جهت فایق شدن بر پراکندگی طبقه کارگر و کمک به سازمانیابی کارگران هم مشکل تر گردید و واقع بینی جای خود را با ذهنی گرای و کلی گویی تعویض نمود... جنبش کمونیستی ایران در مقابل مهمترین چالشها در رابطه با معضلاتی که جنبش کارگری ایران با آن دست به گریبان است قرار دارد... .

درمورد احتمالات آینده ایران

من فکر نمیکنم که جمهوری اسلامی در نتیجه جنگ با دول غربی ساقط شود، زیرا اصولاً اختلافات فیما بین تا وقوع جنگ نظامی پیش نمیرود و در آستانه وقوع پیوستن جنگ، جمهوری اسلامی عقب نشینی میکند. اول، مسئله حکومت بشار اسد قطعی میشود. به این معنی که حکومت بعث بشار اسد را ناچار به پذیرش برکناری یا در اثر جنگ داخلی سقوط میکنند. در هر دو صورت رفتن بشار اسد در میان مدت قطعی است. با سقوط بشار اسد، جمهوری اسلامی یکی از متحدین ستراتژیک خود را از دست میدهد. دوم، غرب مسئله چانه زنی برسر برنامه هسته ای و تحریمهای اقتصادی را نه برای تغییر رژیم، بلکه برای به تمکین واداشتن و عقب نشینی جمهوری اسلامی ادامه میدهد. جمهوری اسلامی با دو پدیده از درون روبروست، اول اختلافات جناحها و تقابلات درون حکومتی، و دوم بیزاری وسیع توده ای از رژیم و بیکاریها و گرانیها و سایر فلاکتها که زندگی را از این که هست دشوارتر مینماید.

در یک جمع بندی مختصر میتوان صعود جنبش توده ای علیه حاکمیت جمهوری اسلامی را محتمل تر از تغییر رژیم در نتیجه عواملی بیرونی و تقابلات حکومت ایران و غرب دانست. پارامترهای متعددی که قبلاً هم مورد اشاره قرار گرفتند، چنین استنتاجی را تایید میکنند که جمهوری اسلامی خطر اصلی را توده های مردم و اعتراضات و قیام آنها میداند و نه به همان اندازه تهدیدهای دول غربی را، که بیشتر نقش اهرم فشار به رژیم را دارند.

وقوع خیزش توده ای و قیام علیه جمهوری اسلامی موقعی میتواند به نتیجه مطلوب به نفع کارگران برسد که توده های میلیونی به عرصه مبارزه سیاسی برای بدست آوردن شرایط دیگری از کار و زندگی وارد عرصه و میدان مبارزه شوند، و این جنبش تا آن حد در صحنه باشد در نیروهای مسلح رژیم تزلزل ایجاد کرده و آنها شقه نماید تا حدی که نیروی نظامی توان سرکوب مبارزات توده ها را از دست بدهد.

طیبا احزاب و گروههای مختلف دیگری هم در کردستان وجود دارند ولی بنا به مطرح بودن اجتماعی تنها از دو حزب فوق که هر دو سخنگوی منافع طبقات متضاد در جامعه هستند، نامبرده شده است.

در دوره گذار یکی از موضوعات فعالیتی احزاب سیاسی، مسئله کسب قدرت سیاسی است. حزب دمکرات کردستان ایران برای کسب قدرت سیاسی حزب دمکرات در منطقه تلاش میکند و این امر کاملا طبیعی است. ولی تلاشی که کمونیستها برای کسب قدرت سیاسی خویش دارند با روایت بورژوایی از کسب قدرت سیاسی در کل متفاوت است.

کمونیستها برای «حاکمیت مردم در کردستان» مبارزه میکنند. به عبارت دیگر حکومت شورایی. حکومتی که در آن این توده های کارگر و زحمتکش کردستان هستند که از طریق شوراهای خود مستقیما در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعمال قدرت کرده و جامعه را اداره میکنند.

در اینجا من برای سهولت بیشتر موضوع مستقیما سراغ چشم انداز و وظایف کلی مان در دوره گذار خواهم رفت تا بتوانیم از حداقل آمادگی در روبرو شدن با آن دوران برخوردار باشیم.

وظایف ما در دوره گذار

بنظر من برای طی کردن موفقیت آمیز دوران گذار، کومله لازم است در دو حوزه سیاسی و نظامی آمادگی لازم را در خود را بوجود بیاورد.

1. عرصه سیاسی :

در دوره گذار ارائه لیستهای طویل برای انجام دادن لازم نیستند. چون این لیستها هم اکنون نیز موجود هستند و در هم برنامه کومله برای... و هم بخش مطالبات برنامه حکا خواستها و مطالبات زیادی وجود دارند که در وقت خودش میتوانند اجراء شوند. ولی در دوره گذار، که دوره کشمکش برای مشخص کردن امر قدرت سیاسی است، جریان کمونیست بایستی مهمترین نکاتی که راه آینده را به نفع کارگران هموارتر و آسانتر میکند، تشخیص دهند و برای تثبیت آن چند رقم مبارزه خود را متمرکز کنند:

- آزادیهای سیاسی، آزادی فعالیت سیاسی احزاب، آزادی تشکل
- اتحاد و همبستگی زنان و مردان آزاده

گفت و خاطر نشان ساخت که ما برای اجرای همان مفادی مبارزه میکنیم که در «برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان» فرموله شده است. برنامه ای که بطور کلی با نگرش کمونیستها نسبت به مسئله ملی، که آنهم به معتبرترین شیوه لنین آنرا در «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» فرموله کرده است، همخوانی دارد.

اما معضل اینست که «برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان (ب.ک.ج.م.ک) برنامه ایست بیشتر برای دوران ثبات (حداقل از نظر این مقاله) و کمتر برای دوران انقلابی و گذار.

در همه ادوار انقلابی، دوره های گذار، دوره های بی نهایت مهم و بعضا تاریخ سازند. اگر سازمان انقلابی و کارگران پیشرو برای دوران انقلابی چشم انداز و برنامه ای برای پاسخ به مسائل آن دوران نداشته باشند، چه بسا بورژوازی بتواند راحتتر خود را به حاکم دوران ثبات تبدیل کند.

کردستان در دوره گذار

قبل از هرچیز لازم است تا تعریفی از کردستان در دوره گذار ارائه داده شود. دوره گذار دوره ی موقتی، و بینابینی بین دو شکل حکومتی است. حکومت فعلی از بین رفته و حکومت آتی هم هنوز به تمامی تثبیت نشده است. یکی از خصیصه های اولیه دوران گذار (در ابتدا) وجود خلاء قدرت سیاسی در منطقه است. و منظور از خلاء قدرت سیاسی در منطقه هم این نیست که هیچ قدرتی وجود ندارند، بلکه بیشتر به این مفهوم است که قدرتهای موجود بلامنازع نیستند. قدرتهای سیاسی و نظامی مختلف در کنار هم وجود دارند، اما هیچ کدام از آنها تا آنموقع نتوانسته اند موقعیت و جایگاه عینی خود در جامعه کردستان را تعیین نمایند. درست همین نکته، موضوع کشمکش طبقاتی بین نیروهای طبقاتی است.

در دوره گذار وسیع ترین آزادیهای سیاسی وجود دارند. فعالیت احزاب سیاسی آزاد است. همچنانکه قبلا هم اشاره شد بوجود آمدن تشکلهای توده ای و کارگری و انواع فعالیتهای گروههای مختلف از جمله خصایص این دوره است. چنین خصلتهایی را میتوان بعنوان دستاوردهای آن دوران هم نام برد. دستاوردهای اولیه عمدتا در حوزه ی سیاسی هستند.

جامعه کردستان یک جامعه طبقاتی است و به همین صورت هم احزاب سیاسی متفاوت در دفاع از منافع طبقات تاریخی شکل گرفته اند: حزب دمکرات کردستان ایران و کومله - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران.

آیا 50000 نیروی زبده نظامی میتواند برای گذار موفقیت آمیز از آن دوران کافی باشد؟

- در مورد تجهیزات : کومه به انواع سلاحهای سنگین، نحوه استفاده از آنان احتیاج دارد و لازم است تا از هم اکنون در این زمینه در فکر آن باشد.

- کومه به پرسنل متخصص در عرصه نظامی و با قابلیت آموزش دادن احتیاج دارد و بنا به وظایف خطیر آتی لازم است تا در مورد تعداد لازم متخصصین نظامی چشم انداز روشنی داشته باشد.

کومه بعنوان یک سازمان میتواند و لازم است تا خود را در عرصه نظامی قدرتمند کند. قدرتمند بودن کومه نه به معنی حاکم شدن سازمان کومه بر توده های مردم، بلکه به این معنی است که به همان اندازه که کومه در مناطقی قدرتمند باشد، به همان اندازه در همان مناطق شوراهای توده ای و کارگری حاکمند و امور مربوط به کار و زندگی را اداره میکنند. به همان اندازه که کومه قدرتمند تر باشد، به همان اندازه آزادیهای سیاسی و... وسیعتری وجود دارند...

در مورد نکته دوم:

آیا لازم است همه مردم (بالاتر از 18 سال) مسلح شوند؟ یا اینکه به تعداد مشخصی از نیروی مردم احتیاج هست تا در عرصه نظامی آماده باشند؟ این موضوع قابل تحلیل و مسئله بازی است. و باز مشخص است که چنین نیرویی همچنانکه در برنامه کومه برای حاکمیت... آمده است، تحت فرماندهی شوراها خواهند بود. اما وظایف مستقیم و مشخصی در رابطه با آموزش مردم برای کومه بوجود می آید.

آموزش نظامی تنها آموزش نحوه استفاده از اسلحه و شیوه دفاع نیست، بلکه به همان اندازه مهم، فرهنگ استفاده از اسلحه تحت کدام شرایطی هم هست.

در دوره گذار دو نیروی نظامی سازمانی کومه و مردم مسلح یا میلیس توده ای میتوانند با هم از دستاوردهای بدست آمده دفاع کرده و به نیروهای ارتجاعی امکان ندهند تا جامعه را به اوضاع سابق برگردانند.

مناسبات بین احزاب سیاسی بویژه احزاب بزرگ

در سال 2012 حداقل انتظار از احزاب سیاسی کرد که مستقیماً برای حاکمیت حزبی مبارزه میکنند اینست که بشیوه مدرن و مدنی به مسئله قدرت سیاسی نگاه کنند و به آراء مردم کردستان برای اداره سیاسی و اقتصادی خویش احترام گذاشته و آنها بپذیرند. بزرگی و کوچکی یک حزب از نظر اجتماعی از

برای بنا نهادن دنیایی نو

- قدرت بدست شوراهای توده ای و کارگری

- از نظر اقتصادی و در مرحله اول و با طرح چند فوریتی، مبارزه علیه فقر و گرانی، تسهیل زندگی مردم، به عبارت دیگر تامین نان (به معنی سمبلی برای تمام مایحتاجات زندگی) و مسکن برای توده ها. حکومت شوراهای مردمی در کردستان موظف به تامین نیازمندیهای افراد در حیطه حاکمیت خود است.

اگر چند مورد فوق تامین گردند، میتوان در سایه اینها، به کسب سایر حقوق و خواستهای دیگر که در برنامه هایمان فرموله شده اند نیز نائل آمد.

فعالیت سیاسی آگاهگرانه در جامعه در زمینه اینکه مردم خودشان امور زندگی و کار را اداره کنند، کارگران در مناطق و کشورهای همجوار همه دوست و رفیق یکدیگر و دارای منافع مشترکی هستند و... جزو مهمترین فعالیتهای سیاسی آن دوران هستند. مهم اینست که نظریه رهبری جمعی در مقابل رهبری فردی را با فعالیتهای آگاهگرانه تقویت کنیم.

2. عرصه نظامی

برای حفظ دستاوردها، ضروریست تا در عرصه ی نظامی قدرتمند بود. ضروریست تا کومه از هم اکنون اوضاع آتی و احتمالات را تجزیه و تحلیل نموده و استنتاجات مشخصی هم از آن تحلیلها داشته باشد.

بنظر من وظایف ما در عرصه نظامی برای دوره گذار در دو زمینه قابل بحث و بررسی هستند:

اول: ارتقاء نظامی کومه هم از لحاظ تعداد پرسنل نظامی و هم تجهیزات

دوم: مسئله تسلیح همگانی و وظایف کومه در قبال آن.

دو نکته فوق در دوره انقلابی میتوانند مکمل یکدیگر بوده و پیروزی و کسب قدرت شورایی را با ضمانت بیشتری به نتیجه برساند.

در مورد نکته اول:

کومه بعنوان یک سازمان کمونیست بایستی از چنان قابلیت نظامی برخوردار باشد که نیروهای ارتجاعی نتوانند جامعه را به عقب برگردانند. کومه بعنوان نیرویی کمونیست و مدافع منافع کارگران لازم است تا از هم اکنون از این چشم انداز برخوردار باشد که با چه نیرویی میتواند دستاوردهای بدست آمده را حفظ کند؟

- کومه بایستی از چه تعداد نیروی نظامی برخوردار باشد؟

ایران یا هر توجیه دیگری از خود و دستاوردهای بدست آمده انقلابی و ارزشمند دفاع کنند.

وضعیت دوافکتوی کردستان

در شرایطی کردستان از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی آزاد شده و حتی توانسته باشد کردستان آزاد و شورایی را حفظ کند، ما بعنوان مبارزین کمونیست که سوسیالیسم ستراتیژی ماست در مقابل سوالات و چالشهای متعدد دیگری قرار میگیریم. از جمله: اگر در کردستان حاکمیت مردم برقرار است، وضعیت در مرکز و سایر مناطق ایران در چه حالی است؟ آیا مردم سایر مناطق دیگر نیز از الگوی کردستان آزاد و شورایی پیروی میکنند؟ آیا توازن قوا در سایر مناطق و مرکز ایران به نفع توده های کارگر و زحمتکش چرخیده است؟

طبیعی است که به همان نسبت کمونیستهای سایر مناطق ایران و پیشروان کارگری بتوانند دخالتگر در حوزه سیاسی آن مناطق باشند و از نفوذ اجتماعی فراوانی برخوردار باشند، کار کردستان آزاد آسانتر میشود. زیرا این رفقا اولین حامیان کردستان آزاد محسوب میگردند.

سوالات در مورد توازن قوا در سایر مناطق ایران را فعلا باز بگذاریم و احتمالات مختلف را از نظر دور نداریم.

یکی از سوالات پایه ای اینست که: در شرایطی که کردستان آزاد شد و ما توانستیم آنرا حفظ کنیم، در همان حال وضعیت مشابه در سایر مناطق ایران بوجود نیامد، کردستان آزاد تا چه اندازه و تا چه موقع میتواند کردستان آزاد بماند؟ اصولا آیا یک مفهوم پایه دار خواهد بود یا در پروسه زمان و با تثبیت حکومت مردمی تغییر خواهد کرد؟

به بیان دیگر، آیا سوسیالیسم در کردستان امکان پذیر است؟ یا اینکه ما بدون چشم داشت از رسیدن به سوسیالیسم در همان حکومت مردمی و شورایی (با فرض اجراء شدن مفادی که در برنامه کومله برای حاکمیت مردم کردستان آمده است) ایستاده و به آن قانع باشیم؟

پاسخ فردی من به این سوال مهم چنین است که در وضعیت فعلی و تا زمانیکه کردستان ایران بخشی از کشور ایران باشد، تحقق و استقرار سوسیالیسم امکان پذیر نیست. زیرا نمیتوان در یک کشور (ایران) بخشی آذربایجان غربی و استان کردستان از نوع حکومتی شورایی برخوردار باشد اما سایر مناطق دیگر

صندوقهای رای و حمایت وسیع توده ای از یک حزب بیرون می آیند و نه از لوله تفنگ و جنگ مسلحانه.

پس بنابراین، اصل بر مناسبات سیاسی و مسالمت آمیز بین احزاب فعال در کردستان و احترام به آراء مردم در کردستان است. تقویت و ارتقاء نیروی نظامی کومله و تسلیح همگانی برای دفاع از دستاوردهای کردستان آزاد و تهدیدهای نیروهای مرتجع است.

کومله و سایر احزاب کرد میتوانند در نگه داشتن کردستان آزاد، حفظ آن دستاوردها و دفاع در مقابل تهدیدات نیروهای مرتجع بر سر مفاد برای همکاری با یکدیگر به توافق برسند.

نیروهایی که کردستان را تهدید میکنند

نیروهایی که از این پتانسیل برخوردارند تا کردستان آزاد را تهدید کنند، عمدتا دو گروه هستند:

- 1- نیروها و بازمانده های مسلح جمهوری اسلامی و دیگر نیروهای مرتجع مذهبی که داعیه کسب قدرت سیاسی در منطقه را دارند، که نبایستی دست کم گرفته شوند.
 - 2- کلیه نیروهای «تمامیت ارضی» خواهان و از جمله سلطنت طلبان و سران و سخنگویان جنبش سبز که در دفاع از تمامیت ارضی ایران، از هر مناسبتی استفاده کرده و خط و نشان خود را از هم اکنون روشن ساخته اند.
- برای خنثی کردن تهدیدهای احتمالی علیه کردستان آزاد و شورایی، این موارد لازمند:
- 1- اقدامات دفاعی نیروی نظامی کومله و مردم مسلح تحت فرماندهی شوراهای
 - 2- همکاری احزاب سیاسی فعال در کردستان برای خنثی کردن تهدیدات و دفاع از دستاوردهای انقلابی کردستان آزاد
 - 3- پشتیبانی و حمایت سایر ملل در ایران و کارگران کشورهای همجوار از کردستان آزاد
 - 4- کمپین بین المللی در دفاع از کردستان آزاد

کردستان آزاد و شورایی با توده های کارگر و زحمتکش ایران و منطقه طرح دوستی، رفاقت و همبستگی بر اساس منافع مشترک را به مرحله اجراء در می آورد و در همان حال با قدرت و صلابت در مقابل دشمنان کردستان آزاد و شورایی خواهد ایستاد و پاسخ شایسته خود را خواهد داد. حق دفاع از خود، این حق را به مردم کردستان خواهد داد تا در مقابل تهدید کنندگان حال با توجیه دفاع از تمامیت ارضی

ایران سنگینی میکند. تا قیمت اجناس گرانتر باشد و سطح تورم بالاتر برود این توده های کارگر هستند که شرایط کار و زندگی شان شاق تر و غیر قابل تحمل تر میشود و در بطن این همه گرانی مقامات جمهوری اسلامی تحت فشار قرار نمیگیرند.

به این مسئله اشاره شد که اگر دول غرب جدا بخواهند در برابر جمهوری اسلامی بایستند، جمهوری اسلامی فوری از برنامه ی هسته ایش به نفع ادامه حاکمیتش عقب نشینی میکند.

اشاره شد که سرنگونی جمهوری اسلامی در نتیجه اعتلای انقلابی جنبش توده ای محتمل تر است و در چنان شرایطی کردستان نسبت به سایر مناطق ایران از شرایط مساعد تری برای برچیدن نیروهای سرکوبگر حکومت مرکزی برخوردار بوده و در این رابطه دوره گذار و مسائل و وظایف آن دوران مورد بررسی مختصر قرار گرفت.

مقاله با سنجیدن شرایط کردستان با سایر مناطق ایران، به این نتیجه رسید که مادام که کردستان بخشی از کشور ایران باشد، تحقق سوسیالیسم در آن امکان پذیر نیست. تحقق مفاد مندرج در برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان بویژه در شرایطی قدرت سیاسی در مرکز ایران بدست طبقه کارگر نباشد و الگوی حکومتی مجزای از الگوی شورایی کردستان داشته باشد، جدایی کردستان از ایران و اعلام کشور مستقل مناسبترین آلترناتیو و نزدیکترین راه به سوسیالیسم است.

امید است تا بحث فعلی در مورد آینده کردستان مورد مطالعه، بررسی و ارزیابی انتقادی رفقا قرار گیرد.

آلترناتیوهای دیگر بورژوازی وجود داشته باشند. این نوع همزیستی نمیتواند تا ابد ادامه داشته باشد.

لازمه تحقق سوسیالیسم در کردستان ایران اینست که کردستان آزاد و شورایی اعلام استقلال نماید و حکومت مستقل خود را تشکیل دهد. وقتی کردستان به یک دولت و حکومت تبدیل شد، آئمووقع بحث از تحقق سوسیالیسم میتواند موضوعیت داشته باشد.

به نظر من، ما نایبستی در آینده و بعد از تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، و با ارزیابی کردن وضعیت، از طرح اعلام جدایی و تشکیل کشور مستقل نگرانی و واهمه ای داشته باشیم. معمولاً ما فرمولهای عامی داریم که از منافع عمومی و سراسری کارگران در همه ایران صحبت به میان می آورد. چنین فرمولهای عامی از لحاظ ستراتیژیک و دور دست تر نادرست نیستند، ولی مسئله اینست اگر حکومت شورایی در کردستان بوجود بیاید و کردستان آزاد بتواند منبع و سرچشمه نیروی قدرتمندی در همبستگی با سایر ملل ایران باشد، همزمان که این پتانسیل انقلابی که در کردستان وجود دارد در سایر مناطق ایران وجود نداشته باشد یا حداقل از الگوی کردستان پیروی نکنند، مردم کردستان چرا باید منتظر زمان موعود بمانند. بنظر من هر نوع انتظاری نادرست است و در آن موقع اعلام استقلال و جدایی از ایران و تشکیل حکومت مستقل و شورایی مناسب ترین پاسخ نیازهای آن موقع کردستان آزاد بعد از سپری کردن موفقیت آمیز دوره گذار است. حکومت مستقل و توده ای که موثر تر هم میتواند سنگر دفاع از انقلاب و آزادیخواهان برای سایر مناطق ایران باشد. کماینکه به مرحله در آوردن کل برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان در ادامه اش یعنی : اعلام استقلال و تشکیل حکومت مستقل شورایی کردستان.

جمع بندی

در این مقاله تلاش بعمل آمد تا بحث در مورد کردستان بعد از جمهوری اسلامی در پرتو اوضاع عمومی تری در ایران مورد بررسی قرار گیرد. هسته ی اصلی نظریه، این بود که علیرغم تبلیغات جنگی که در روابط بین ایران و دول غرب شاهد آن هستیم، احتمال وقوع جنگ خیلی کم است و طرفین از متد مشترک در برخورد به یکدیگر استفاده میکنند. هیچکدام از طرفین مورد مناقشه نه در مذاکرات و نه در تبلیغات جنگی جدی نیستند و در اصل نمیتوانند جدی باشند. تحریمهای اعمال شده از سوی غرب بیشتر حالت اهرم فشار بر حکومت اسلامی برای به تمکین واداشتن آن را داراست. فشار اصلی تحریمها نه بر حکومت اسلامی، بلکه بر سر توده های کارگر و زحمتکش

سیاست سوسیالیستی

**در قبال مسئله ملی،
حق ملل در تعیین
سرنوشت خویش
است.**

نظری مختصر در مورد

اولین نشست احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

سه دهه حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی و سرکوب وحشیانه احزاب سیاسی و هر صدای اعتراضی در ایران و... در رابطه ی بین حزب کمونیست و احزاب سیاسی با توده ها و جنبشهای اعتراضی و بویژه جنبش کارگری اشکالات جدی بوجود آورده است. به این معنی که حزب کمونیست و احزاب سیاسی را از بستر اصلی فعالیتشان محروم ساخت. در تحلیل اشکالات رابطه بین فعالیت کمونیستی در بستر اصلی فعالیتی اش، جمهوری اسلامی و سرکوبگری و جنایتکاری و خفقان در صدر عوامل این اشکالات قرار میگیرد. به همان اندازه که حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی ادامه یافت، احزاب سیاسی از بطن مبارزه طبقاتی بی اختیار دور شدند. در همان حال که شرایط زیست و کار کارگران روز به روز غیر قابل تحمل تر گردیده، پراکندگی و عدم سازمانیابی سراسری طبقه کارگر را هم اگر به فلاکت اقتصادی و اجتماعی کارگران اضافه کنیم، شرایط را بیشتر غیر قابل تصور مینماید.

به همان اندازه حاکمیت و سرکوبگری جمهوری اسلامی ادامه یافت، فقر و فلاکتهای توده های کارگر بیشتر شد و در همان حال هم احزاب سیاسی جدا شده از بستر اصلی فعالیت، موفق به ایفای نقشی که می بایست میداشتند، نشدند.

اگر اکثراً متفق القولند که طبقه کارگر ایران در وضعیت پراکنده بسر میبرد و کارگران ایران به تشکل سراسری خویش نیاز دارند، تا در مقابل دولت و کارفرمایان قدرتمندانه برای حصول خواستها و مطالباتشان وارد کارزار شوند، ما بغیر از کلی گویی های رایج اندر فواید تشکل، شاهد ستراتیژی و عمل مشخصی در پاسخ به این نیاز از سوی جنبش کمونیستی ایران نبوده ایم.

این وضعیت حتی موجب تغییراتی در نگرش طیفی از احزاب بودجود آورده، به این شکل این وضعیت موجبات بی افقی و تیره و تار شدن امر انقلاب را فراهم کرده و از لحاظ تئوریک به قدرت گیری حزب فرموله شده است. نظرات احزاب کمونیست کارگری نمونه ای از این نوع است که مستقیماً و سراسر است به این اعتقاد رسیده اند که حزب قدرت سیاسی را کسب کند و حزب انقلاب میکند. حزب ما هم که بدرستی برای حکومت شورایی توده ها و کارگران مبارزه میکند، موفق نشده از کلی گویی های رایج فراتر رفته و به موانع و مشکلات سر

اولین نشست مشترک احزاب، سازمانها که اطلاعیه پایانی آنرا در زیر مشاهده میکنید، اولین تجربه در تلاش برای همکاری بین نیروهای چپ و کمونیست ایرانی نیست. تاکنون تلاشهای دیگری هم در سالیان گذشته برای شکل دادن به قطب سوم و متحد کردن طیف چپ شکل گرفته بودند که بعد از مدتی فعالیت به کار خود خاتمه دادند.

ولی این اولین نشست مشترک اینبار و با توجه با تجارب گذشته محتاطانه تر گام برداشته و در اولین نگاه، دو نکته جلب توجه میکند: اول طیف متنوع شرکت کنندگان و دوم اینکه حاصل اولین نشست فعلاً هیچ پلاتفرم مشترکی نبوده است.

این مقاله کوتاه در نظر دارد با آرزوی موفقیت کردن برای این اولین نشست مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست، با دید انتقادی به مسئله این نوع اتحادها بپردازد.

انقلاب امر توده های کارگر و زحمتکش است. وقتی توده های کارگر در مقیاس میلیونی بدلائل سیاسی و اقتصادی زیادی از جمله بیکاری و گرانی و در یک کلام غیر قابل تحمل کردن شرایط زندگی و کار در جامعه، خواستار عوض کردن یا سرنگونی رژیم باشند، و برای این امر پیگیر متحقق شدن این خواست سیاسی بزرگ باشند و مثل نمونه مصر تا سقوط دیکتاتور میدان آزادی را تخلیه نکنند، وقوع انقلاب به یکی از احتمالات ممکن جامعه تبدیل میشود. نیرومندی جنبش اجتماعی علیه وضع موجود و رژیم حاکم میتواند در صف نیروهای سرکوبگر شکاف ایجاد نماید و توان سرکوب نیروهای مسلح را تضعیف نماید و.... انقلاب علیه وضع موجود به یکی آکتول های روز جامعه تبدیل میشود.

فعالیت حزب کمونیست اساساً در این زمینه معنا و مفهوم اصلی پیدا میکند: آگاهگری و دخالت در امر سازماندهی. فعالیت کمونیستی در این عصر اساساً دنبال گرفتن سوالات و معضلات مقابل طبقه کارگر در رابطه با تحقق امر انقلاب است: انقلاب سوسیالیستی بعنوان یک انقلاب اجتماعی.

با این مقدمه کوتاه، سوال اینست که رابطه حزب کمونیست و سایر احزاب سیاسی با جنبش توده ای و جنبش کارگری در شرایط کنونی در چه وضعیتی است؟

مناسبات باشد، در رابطه بین احزاب سیاسی، به دلایل مختلف، به شکست کشیده میشود و رفقا برای اجتناب از شکست آتی هیچ پلاتفرمی (بین احزاب و نهادهای) تهیه نکنند.

- کما اینکه در اولین نشست بر «نهادینه کردن همکاریها و تبادل نظرها»، «در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران و در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارتجاعی»، به اندازه کافی گویا بوده و حق و مطلب را بیان میکند. بگذار چنین مقولات و مفاهیمی که بیان کننده عمل های مشخصی در پراتیک هستند، در همین سطح کلی باقی بمانند. چرا بایستی به همین سطح کلی اکتفا کرد؟ به دلیل اینکه احزاب چپ و کمونیست عموماً عادت دارند با هم فکراً مناسبات داشته باشند. چنین فرمول بندیهای عامی که در اولین اطلاعیه نشست مشترک آمده است، کمک میکند تا از چهارچوب کلیشه ای و تنگ فراتر رفته و راه را برای قبول "تنوع و سوسیالیسم بر اساس تفاوتها" باز کند...

- مواضع مشترک بین احزاب بهتر و مناسب تر است تا موردی و بر پایه ی اعتراض مشخص قرار گیرد، زیرا از سویی میتواند نتیجه بخش تر باشد، و از سوی دیگر میتواند منعکس کننده جو غالب در طیف نیروهای چپ و کمونیست باشد. مثلاً اطلاعیه مشترک در محکوم کردن دستگیری 60 نفر از فعالین کمیته هماهنگی در کرج یا دفاع از شهروندان افغانی-ایرانی و محکوم کردن جمهوری اسلامی و سیاستهای نژاد پرستانه. بی نهایت مهم است تا بتوان فضای غالب در چپ ایران بود. هر حزب و سازمان و نهادی میتواند بر سر درکش از سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی و... پلمیکهای مفصلی داشته باشند. مهم این است که مخالفین سیاسی بتوانند با هم راه بروند و در مواردی که لازم باشد هم جهت ظاهر شوند. تا فرمول بندیها کلی تر باشد شانس موفقیت آمیز بودنش هم میتواند بیشتر باشد.

- احزاب و نهادهای چپ و کمونیست بطور روتین به کار و فعالیت حزبی و سازمانی خود مشغولند. کار حزبی و فعالیت در نشست احزاب جایگزین یکدیگر نیستند و هرکدام جایگاه خاص خود را دارد.

«احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست» میتوانند نامی کوتاه که از قابلیت اجتماعی شدن برخوردار باشد برای خود انتخاب کنند.

جدل اصلی همان تقابل کار و سرمایه در محیط زیست و کار کارگران در ایران است. آیا نشستهای مشترک بین احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست میتواند در مبارزه طبقاتی، تقویت کننده مبارزه طبقه کارگر علیه کارفرمان و دولت سرمایه داران باشد؟ همکاری احزاب

راه مبارزه طبقه کارگر و بی تشکیلی بپردازد و راه حل عملی خود برای فائق آمدن بر این مشکلات را ارائه دهد.

گره گاه اصلی همین جاست. حزب کمونیست موفق نشده در شرایط خفقان و سرکوبگری جمهوری اسلامی نقش خود در مبارزه طبقاتی ایران و در جهت فائق آمدن بر موانع و مشکلات سر راه اتحاد سراسری کارگران و سازمانیابی آنان در تشکل سراسری خود، ایفاء کند.

نشست مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست قرار است در اوضاع امروز ایران و با وضعی که کارگران از لحاظ کار و زیست در آن قرار دارند کمک کننده گسترش آلترناتیو سوسیالیستی در ایران (بدیل سازی سوسیالیستی) باشند.

نشست مشترک احزاب... در اولین اطلاعیه هدف نشست را «سرآغازی برای یک تلاش مشترک... برای نهادینه کردن همکاریها و تبادل نظر»، همچنین «نشست تاکید کرد که در فضای ملتهب سیاسی ایران و جهان برای ایجاد یک بدیل انقلابی و کارگری و سوسیالیستی تلاش می کند. هدف نشست و تبادل نظرها، در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارتجاعی آن است.»

در این رابطه نکات زیر حائز اهمیت اند:
اول: نشریه مبارزه طبقاتی برای نشست مشترک و اهداف مندرج در اولین اطلاعیه آن آرزوی موفقیت میکند و درست به دلیل افق مبارزاتی مشترک، و برای موفقیت آتی، لازم و ضروریست تا به این حرکت از همین ابتداء با دید و نگرش انتقادی نگریم و احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست را در مقابل سوالهای پایه ای قرار داد....

سوالات:
- رفقای احزاب و نهادهای چپ و کمونیست فکر میکنند که مهمترین مانع پیشاوری کارگران ایران برای تامین اتحاد و سازمانیابی سراسری چیست؟

- چگونه کارگران میتوانند در شرایط اختناق یک تشکل سراسری بعنوان یک چتر عمومی برای همه کارگران و در برگیرنده تشکلهای مختلف انواع اصناف باشد، را تشکیل دهند؟

- ...

پیشنهادهای:

- اگر رفقا میخواهند همکاریهای بین احزاب چپ و کمونیست نهادینه شود و این امر به خلق فضای رادیکال و انقلابی در جامعه کمک کند، اکیدا پیشنهاد میشود که رفقا از مفاد مندرج در اولین اطلاعیه نشست مشترک فراتر نرفته و در ادامه چنین نشستهایی، پلاتفرم مشترک تدوین نشود. تدوین پلاتفرمهای که حاوی لیستهای طویل از خواستها و

اسامی شرکت کنندگان در نشست به ترتیب حروف الفبا:

1. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (ناظر)
2. اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
3. اتحاد فدائیان کمونیست
4. پیوند در خدمت کمونیست های ایران
5. جمعی از چپ های کلن - آلمان
6. حزب اتحاد کمونیسم کارگری
7. حزب رنجبران ایران
8. حزب کمونیست ایران
9. حزب کمونیست ایران (مارکسیست- لنینیست- مائونیست)
10. سازمان آزادی زن
11. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته مرکزی
12. شبکه زنان (ناظر)
13. شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران- تورنتو، کانادا (ناظر)
14. شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکهلم
15. شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران
16. کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
17. کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران (ناظر)
18. کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
19. کمیته یادمان کشتار سیاسی دهه 60 در ایران - مونترال
20. نشست زنان چپ و کمونیست
21. نهاد همبستگی کارگری نورد راین وستفالن، آلمان (ناظر)
22. نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان
23. هسته اقلیت
24. همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
25. هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

27 ژوئن 2012 - 7 تیر 1391

و ... چپ و کمونیست تا چه اندازه موفق خواهند شد در ایران سوسیالیسم را به آلترتیوی اجتماعی تبدیل کند و چنین سوالاتی تا آن حد پایه ای هستند که ارزیابی از چنین همکاریهای بطور عینی ممکن میسازد.

اطلاعیه پایانی اولین نشست مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

در روزهای 22 الی 24 ژوئن 2012 برابر با 2 الی 4 تیرماه 1391 نشست تدارکاتی احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در کلن آلمان برگزار شد. نشست با علم به تفاوتهای نگرشی و سیاسی، بر اشتراکات و بر همکاری های مشترک در اوضاع خطیر کنونی تاکید کرد. این نشست در تداوم جلسات هیئت های نمایندگی احزاب و سازمانها و نهادها برگزار شد و در آن نمایندگان 25 حزب، سازمان و نهاد سیاسی حضور داشتند. نشست اعلام کرد که ما بخشی از نیروی وسیع چپ و کمونیسم در ایران هستیم و نشست کنونی را سر آغازی برای یک تلاش مشترک وسیع تر کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی برای نهادینه کردن همکاری ها و تبادل نظر تلقی میکنیم. بدنبال بحث ها حول چه باید کرد، نشست به توافقات زیر رسید:

1- تشکیل یک شورای نمایندگان از جریانات مختلف با وظیفه هماهنگی فعالیتهای و تدارک نشست دوم طی ماه های آتی.

2- سازماندهی اقدامات سیاسی معین برای تقویت این روند.

نشست تاکید کرد که در فضای ملتهب سیاسی ایران و جهان برای ایجاد یک بدیل انقلابی و کارگری و سوسیالیستی تلاش می کند. هدف نشست و تبادل نظرها، در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارتجاعی آن است. ما نیروهای شرکت کننده در این نشست، همه کمونیست ها و نیروهای انقلابی را به همکاری و تشریک مساعی در تقویت این روند دعوت می کنیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی!
زنده باد سوسیالیسم!

برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان

هم اکنون تلاش میکنند تصویر خودشان را از پیروزی جنبش کردستان به افکار عمومی القاء کنند و میخواهند استقرار یک حکومت فدراتیو مبنی بر سیستم پارلمانی را به عنوان مکانیسم دخالت مردم در امور سیاسی و اداره جامعه و محتوای پیروزی به مردم تحمیل کنند،

- ارائه یک تصویر روشن از معنای واقعی پیروزی جنبش انقلابی کردستان، چگونگی شرکت مستقیم توده های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و چگونگی تحقق خواستها و مطالباتشان مبرمیت پیدا کرده است، و تبدیل کردن معنی و مفهوم پیروزی به شعور عمومی توده های مردم ستمدیده کردستان از پیش شرط های پیروزی جنبش انقلابی کردستان می باشد.

- کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) که خود از برپا کنندگان و سازمان دهندگان جنبش انقلابی در کردستان بوده است و از حمایت بخشهای وسیعی از جامعه کردستان برخوردار است برنامه خود را برای حاکمیت مردم مبنی بر سیستم شورایی در کردستان اعلام میدارد.

ملزومات تحقق حاکمیت مردم در کردستان

1. طبقه کارگر و زحمتکشان شهری و روستایی نیروی محرکه اصلی جنبش انقلابی در کردستان را تشکیل میدهند، رشد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، برپایی تشکلهای توده ای و طبقاتی کارگران، سازمانیابی جنبش زنان، رشد جنبش اعتراضی مردم بر علیه رژیم از ملزومات پیشروی و پیروزی این جنبش و تحقق حاکمیت توده های استثمارشده و ستمدیده در کردستان است.

2. شرط لازم پیشروی جنبش انقلابی و تحقق حاکمیت مردم، جدایی توده های کارگر و زحمتکش از ستراتیژی، افق، آرمانها و سیاستهای احزاب بورژوایی در کردستان و تقویت ستراتیژی سوسیالیستی در قبال ستراتیژی ناسیونالیستی در مقیاس اجتماعی است. انجام این امر خطیر در گرو اشاعه یک درک روشن از اهداف و برنامه برای دگرگونی های واقعی در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی توده های مردم کردستان است.

کومله بر طبق برنامه حزب کمونیست ایران برای پایان دادن به حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مبارزه میکند. هدف نهایی ما دستیابی به جامعه ای است که در آن آزادی و رفاه همگانی جای اسارت و بی عدالتی و محرومیت را بگیرد و فرصت های یکسان برای رشد و شکوفایی خلاقیتها و تعالی انسان فراهم میشود، جامعه ای که در آن هر کس به اندازه توانایش کار میکند و به اندازه نیازش از مواهب زندگی برخوردار میگردد.

اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه داری برقرار است ما در عین مبارزه بی وقفه برای برقراری یک نظام سوسیالیستی، لحظه ای مبارزه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مترقی را در جهت بهبود شرایط زندگی توده های کارگر و زحمتکش و تحت ستم، و امن تر و انسانی تر کردن جامعه و محیطی که در آن زندگی میکنیم در چهارچوب همین نظام موجود نیز رها نخواهیم کرد. اعلام برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان گامی مهم در جهت این ستراتیژی است.

کومله حق کلیه ملل ساکن ایران را در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت میشناسد. در عین حال خواهان اتحاد آزادانه و داوطلبانه کلیه ملل ساکن ایران است. از نظر ما مصالح مبارزه طبقه کارگر برای سوسیالیسم، وحدت و یگانگی سیاسی و حزبی طبقه کارگر ایران را ایجاب میکند و کومله در راه تامین وحدت طبقه کارگر ایران در همه عرصه های مبارزاتی می کوشد.

برنامه کومله برای حاکمیت مردم در کردستان

نظر به اینکه :

- بحران اقتصادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی و مصائب و مشقات ناشی از حاکمیت نظام سرمایه داری، رشد جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی و نارضایتی عمیق توده های مردم، وقوع یگ برآمد تودهای، چشم انداز سرنوشتی جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط نیروها و حاکمیتش در کردستان را به یک امکان مادی و واقعی تبدیل کرده است.

- احزاب و نیروهای بورژوایی موجود در کردستان از

میتواند از برتراری یک سیستم بوروکراتیک که مجدداً بر فراز مردم بپا خاسته قرار گیرد و آنان را تبدیل به تماشاچیان ناتوان صحنه سیاست کند، جلوگیری نماید. مردمی که در نظام شورایی متشکل میشوند خود هم قانونگذار و هم مجری قانون خواهند بود. در این نظام حکومتی کلیه مقامات اداری و سیاسی و قضایی توسط مردم انتخاب میشوند و هرگاه اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، در هر زمانی قابل عزل هستند. مسئولین در بالاترین رده های حکومت شورایی بعنوان خدمتگذار مردم عمل کرده و حقوقی حداکثر معادل حقوق یک کارگر ماهر دریافت می کنند.

ب: ساختار حاکمیت شورایی

- حاکمیت شورایی دارای یک ساختار هرمی، شامل شوراهای محلات، شوراهای شهر، شوراهای ایلتی و کنگره سراسری شوراها بعنوان عالیترین ارگان حاکمیت می باشد. کنگره سراسری شوراها هم قانونگذار است و هم بالاترین نهادهای دولتی را برای امور اجرایی سازمان میدهند و بر کار آنها نظارت میکند. - در حاکمیت شورایی سیستم قضایی به تمامی از سیستم اجرایی مستقل خواهد بود. قضاوت و کلیه مقامات قضایی به وسیله مردم انتخاب می شوند و هرگاه اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند قابل عزل خواهند بود. کلیه دادگاههای ویژه منحل می شوند و کلیه محاکمات علنی و با حضور هیئت منصفه صورت خواهند گرفت.

ج: نیروی مسلح

ارتش، سپاه پاسداران و کلیه ارگانهای اطلاعات و امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی منحل میگردد و یک سازمان مسلح توده ای تحت فرمان کنگره سراسری شوراها ایجاد میگردد. نیروی مسلح محلی تحت فرماندهی کنگره سراسری شوراها امور مربوط به دفاع از دستاوردهای مردم کردستان را در مقابل تعرض دولت مرکزی و یا هر نیروی دیگری بر عهده خواهد داشت. این نیرو حق هیچگونه دخالتی در امور داخلی کردستان را نخواهد داشت. انتظامات داخلی کردستان به وسیله نیرویی تامین میشود که از جانب بالاترین نهاد دولتی منتخب کنگره سراسری شوراها سازمان می یابد و کنگره بر عملکرد آن نظارت خواهد داشت.

3. تامین اراده آزادانه مردم کردستان بر سرنوشت خویش، محصول تداوم یک مبارزه توده گیر همه جانبه، سیاسی، اجتماعی و نظامی بر علیه جمهوری اسلامی است. این مبارزه با هر گام پیشروی خود توده های مردم را برای برقراری حاکمیت فردای خود آماده تر می سازد و سرانجام با تعرض همگانی به کل موجودیت رژیم جمهور اسلامی در کردستان ملزومات پیروزی نهایی را فراهم می سازد.

4. سقوط و درهم پاشیدن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آنان پایان کار نیست. پیروزی در این مرحله با تشکیل ارگان های قدرت توده ای در شهر و روستا و سازمانیابی یک ساختمان حاکمیت شورایی در کردستان کامل خواهد شد.

5. تضمین نهایی و تداوم پیروزی، در گرو درهم شکستن قطعی قدرت دولت مرکزی و پیشروی جنبش کارگری در سطح سراسری است. سهل ترین و کم دردسرتین راه، حفظ دستاوردهای یک جنبش انقلابی پیروزمند در کردستان پیوند با یک انقلاب سراسری در ایران است.

فصل اول:

ساختار حاکمیت در کردستان

الف: حاکمیت شورایی بعنوان یک نظام برتر اجتماعی

تجربه سراسر جهان به خوبی نشان داده است که دموکراسی پارلمانی، توده های محروم جامعه را از دستگاه اداره امور و مدیریت مستقیم جامعه و حاکمیت بر سرنوشت خویش دور نگه میدارد و آنها را به نمایندگانی در پارلمان تفویض میکند که رای دهندگان هیچ کنترلی بر عملکرد آنها را ندارند. در این سیستم، نمایندگان پارلمان هم کنترلی بر چگونگی اجرای قوانینی که تدوین میکنند، ندارند. قدرت واقعی در نظام پارلمانی در دست ارگانهای اجرایی، وزارتخانه ها، ارتش، پلیس و سازمانهای امنیتی قرار دارد. در نظام پارلمانی هر چند سال یکبار نمایندگان پارلمان عوض میشوند، دولتها تغییر میکنند اما ساختار ارکان اصلی قدرت یعنی بوروکراسی دولتی، ارتش و دستگاههای امنیتی دست نخورده باقی میمانند.

در مقابل نظام پارلمانی، نظام شورایی، بهترین و در دسترس ترین وسیله دخالت کلیه احاد طبقه کارگر و توده های مردم به مثابه قانونگذار و مجری قانون در اداره جامعه میباشد. در شرایطی که پیشرفتهای تکنولوژیک بیش از هر زمان دیگری ارتباطات را توسعه داده و امکان دسترسی به اطلاعات را در همه زمینه ها برای همگان فراهم کرده است، نظام شورایی امر دخالت کارگران و توده های مردم را در اداره امور جامعه بیش از پیش تسهیل خواهد کرد. این نظام

فصل دوم:

حق تعیین سرنوشت

2. آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، آزادی تشکیل احزاب و فعالیت سیاسی، آزادی عقیده و تبلیغ آن، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تحصن، تشکیل شورا، سندیکا و هر نوع تشکل صنفی و سیاسی، فراهم کردن امکان دسترسی عمومی به رسانه های جمعی، نشریات، شبکه های رادیویی و تلویزیونی، لغو هر گونه سانسور،
3. جدائی مذهب از دولت، لغو اکید هرگونه امتیاز و تبعیض در مشاغل دولتی و حقوق افراد بر حسب مذهب و مقام مذهبی آنان و یا اعتقاد و عدم اعتقاد آنان به مذهب، لغو اکید پرداخت کمکهای مالی و غیر مالی دولتی به فعالیتها و موسسات مذهبی، موارد درسی و رسم و آئین مذهبی در مدارس و موسسات آموزش دولتی. هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی در کردستان برسمیت شناخته نمی شود، مذهب امر خصوصی افراد تلقی میگردد و کلیه افراد در کردستان در اختیار کردن هر مذهبی و یا نداشتن مذهب آزادند،
4. تساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد در کردستان صرف نظر از ملیت، مذهب، مرام و عقیده سیاسی،
5. زبان کردی رسماً در مدارس و دانشگاههای کردستان تدریس و در ادارات دولتی و موسسات فرهنگی و هنری و رسانه های جمعی بکار گرفته میشود،
6. آزادی انتخاب شغل و محل سکونت، مصونیت قانونی هر فرد و محل سکونت او، لغو کلیه مقررات و قوانینی که مبتنی بر دخالت پلیسی در زندگی افراد بوده و انحلال کلیه نهادهائی که مجری چنین قوانینی هستند. آزادی سفر و اقامت در تمام نقاط کشور و آزادی مسافرت به خارج کشور برای کلیه افراد،
7. در کردستان آزاد شده پناهندگان سیاسی بدون قید و شرط پذیرفته می شوند. هر کارگر مهاجر و یا هر پناهنده ای از حقوق کامل و برابر با ساکنین برخوردار خواهد بود،
8. حق نظارت کامل مردم بر سیاست خارجی، لغو هرگونه دیپلماسی سری، شناسائی برابری حقوق کلیه ملل، پشتیبانی از جنبش های کارگری و سوسیالیستی و آزادیخواهانه در سراسر جهان؛
9. حکومت شورایی مردم کردستان پشتیبانی از مبارزات مردم کردستان در دیگر بخشها برای آزادی و رهایی ازستم ملی را وظیفه خود میداند.
10. لغو مجازات اعدام بعنوان قانون اعلام می گردد حداکثر زمان حکم زندان برای کسانی که به حبس ابد محکوم میگردند تعیین شود.

1. وجود ستمگری ملی چه در دوره رژیم های سلطنتی و چه در دوره رژیم جمهوری اسلامی همراه با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب علیه مردم کردستان، همواره عاملی برای عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی این ملت بوده و مردم کردستان بارها علیه این ستمگری ملی و برای حق تعیین سرنوشت به مبارزه برخاسته اند. از اینرو در کردستان آزاد شده حق تعیین سرنوشت مردم کردستان به معنی آزادی جدا شدن از ایران و تشکیل دولت مستقل بعنوان قانون اعلام میگردد و شرایط لازم برای استفاده آگاهانه از این حق تامین و تضمین می شود.

2. چنانچه با تامین رسمی، عملی و واقعی شرایطی که در برنامه فوق گنجانده شده است مردم کردستان تصمیم بگیرند که در چهارچوب کشور ایران باقی بمانند، در این صورت دولت مرکزی موظف است علاوه بر پذیرش کلیه شرایط مندرج در این برنامه همچنین مطابق یک سیاست و برنامه ریزی اقتصادی آگاهانه عقب ماندگی های ناشی از وجود تبعیض ملی را با اختصاص بودجه و امکانات کافی در همه زمینه ها جبران نماید.

3. حدود سرزمین تحت کنترل حکومت شورایی کردستان بر اساس آراء آزادانه مردم مناطق کردنشین غرب کشور تعیین میشود. کلیه مردم ساکن این مناطق مستقل از ملیت، جنسیت و مذهب در کلیه سطوح، در نظام قانونگذاری، اجرایی و قضایی کردستان مشارکت خواهند داشت و بدون هیچگونه تبعیضی از حقوق مساوی با همه مردم ساکن کردستان برخوردار خواهند بود.

4. حکومت کردستان هرگونه بند و بست دولت مرکزی با نیروهای محلی در مورد تعیین آرایش سیاسی کردستان را غیر قانونی و فاقد مشروعیت میداند. تعیین تکلیف هر طرحی در باره نحوه اداره جامعه کردستان و اشکال ارتباط آن با دولت مرکزی با مراجعه به آراء عمومی مردم کردستان خواهد بود.

فصل سوم:

حقوق و آزادیهای فردی، سیاسی و اجتماعی

1. حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد بالاتر از 16 سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، قومی و عقیده سیاسی، حق هر فرد بالاتر از 18 سال برای انتخاب شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی

فصل چهارم حقوق زنان

حقوق زن در خانواده

- آزادی در امر ازدواج و انتخاب همسر، ممنوعیت هر نوع معامله گری از قبیل شیربها، مهریه، جهیزیه و غیره در امر ازدواج. به رسمیت شناختن ازدواج از طریق ثبت در دفاتر دولتی، ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفیل فرزندان، ممنوعیت ازدواج زنان و مردان زیر 18 سال. اشخاص و مراجع مذهبی که افراد زیر 18 سال را عقد شرعی میکنند مجرم محسوب میشوند. ممنوعیت ارتباط جنسی افراد بالای 18 سال با دختران و پسران زیر 16 سال.

- زن و مرد باید از حقوق و مسئولیت یکسان و برابر در قبال یکدیگر، در قبال فرزندان و در تمام جنبه های زندگی مشترک برخوردار باشند. محل زندگی باید با توافق مشترک طرفین انتخاب شود. قانونی که تنها حق مردان را در تعیین محل سکونت به رسمیت می شناسد، باید لغو شود. حق زنان برای کارکردن و مسافرت نباید منوط به اجازه مرد باشد.

- کلیه قوانین شرعی و عرفی که تحت عنوان دفاع از ناموس، جرم مرتکبین جنایت علیه زنان را تخفیف می دهند، باید لغو گردند. برای جرم و جنایاتی که از طرف پدر، برادر، شوهر و یا هر فرد دیگری نسبت به زنان، تحت عنوان دفاع از ناموس و نظایر آن صورت میگیرد، مجازات سنگین تعیین می شود. هر گونه اعمال زور و خشونت علیه زن در خانواده جرم محسوب میشود و باید تحت تعقیب قانونی قرار بگیرد. هرگونه تبعیض و نابرابری میان زن و مرد در قوانین مربوط به وراثت، تقسیم اموال و دارائی ها و امتیازات قانونی مردان و سلسله پدری در مساله قیومیت و سرپرستی لغو می گردد. زنان و مردان باید به یکسان از حق طلاق برخوردار باشند. قانون باید در صورت تمایل هر یک از طرفین، چه زن و چه مرد، جدایی آنها را به رسمیت بشناسد. حقوق مادری باید مستقل از ازدواج به رسمیت شناخته شود. زنانی که بدون ازدواج دارای فرزند می شوند باید از کلیه حقوق فردی و اجتماعی مادری برخوردار باشند. فرزندان آنها نیز باید کلیه حقوق اجتماعی را دارا باشند. روابط خصوصی زن و مرد محترم است و از هر گونه تعرض باید مصون باشد. دخالت افراد و مراجع دولتی در زندگی خصوصی زن و مرد اکیدا ممنوع است.

سقط جنین

- جامعه سرمایه داری تنها دو راه را در مقابل زنانی که ناخواسته باردار میشوند قرار میدهد: از بین بردن

در کردستان آزاد شده ی تحت حاکمیت انقلابی، کلیه تبعیضات علیه زنان لغو میگردد و برای تامین برابری کامل زن و مرد، حقوق زنان در همه عرصه های زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و خانوادگی بصورت قانون در می آید.

حقوق اجتماعی و سیاسی

- زنان و مردان باید به یکسان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در کلیه ارگانهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی، در کلیه سطوح کشوری و محلی برخوردار باشند. کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان را در لباس پوشیدن مقید می کند، همچون قانون حجاب اجباری، لغو می گردد.

- هرگونه مقررات مربوط به جداسازی زنان و مردان در اجتماعات، مدارس و دانشگاهها، مکانها و وسایل نقلیه عمومی ملغی می شود.

- هرگونه تبعیض بر حسب جنسیت در زمینه آموزش و پرورش لغو می شود. کلاسهای درسی در کلیه سطوح آموزشی باید مختلط باشد.

- زنان حق دارند در کلیه رشته های ورزشی، هنری و علمی شرکت کنند و باید از کلیه امکانات در این زمینه برخوردار باشند.

- زنان باید از فشار کار خانگی رهایی یابند و شرکت آنها در زندگی اجتماعی باید تسهیل شود و به این منظور موسسات خدماتی ویژه از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک، لباسشویی و غیره در محلات مسکونی ایجاد و بطور رایگان در اختیار عموم قرار میگیرد.

حقوق اقتصادی

- برابری کامل زن و مرد در امر اشتغال، پرداخت مزد برابر برای کار مشابه به زنان و مردان، بیمه های اجتماعی یکسان برای زنان و مردان، برخورداری از حق دو روز مرخصی ماهانه برای زنان شاغل، ممنوعیت سپردن هر نوع کار زیان آور به زنان باردار، ممنوعیت اخراج زنان باردار به هر بهانه ای، خودداری از استخدام زنان باردار و دارای فرزند غیر قانونی بوده و جرم محسوب می گردد. ممنوعیت اعلام جنسیت در آگهی های استخدام و تحصیلی (مگر در موارد استثنائی و ضروری که قانون تعیین می نماید).

- برخورداری از 6 ماه مرخصی برای دوران بارداری و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که با توافق والدین مورد استفاده قرار بگیرد.

1. تضمین زندگی و رفاه کودکان، مستقل از وضعیت خانوادگی، از طرف دولت. دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را در بالاترین سطح ممکن تضمین کند،
2. پرداخت کمک هزینه های لازم و ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی، برای تضمین استاندارد زندگی کودکان و نوجوانان مستقل از وضعیت خانوادگی، تامین امر آموزش اجباری تا سن 16 سالگی،
3. قرار گرفتن کلیه کودکان فاقد سرپرست و امکانات خانوادگی، تحت تکفل دولت و زندگی و تربیت آنها در نهادهای مدرن و پیشرو و مجهز،
4. ایجاد مهد کودک با امکانات مناسب به منظور برخورداری همه کودکان از یک محیط زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی،
5. کودکان اعم از اینکه داخل یا خارج ازدواج بدنیا آمده باشند، باید از برابری حقوقی کامل برخوردار باشند،
6. ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر 18 سال،
7. ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی،
8. مقابله قانونی با سوء استفاده جنسی از کودکان، سوء استفاده جنسی از کودکان جرم سنگین جنایی محسوب میشود.

فصل ششم:

رفاه عمومی و بیمه های اجتماعی

- 1- بیمه بیکاری مکفی بر پایه حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای 18 سال،
- 2- تامین و تضمین مسکن مناسب برای کلیه افراد جامعه،
- 3- بهداشت و درمان عمومی رایگان و مناسب، و پوشش پزشکی و درمانی سراسری برای کلیه افراد جامعه،
- 4- آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد، اجباری بودن آموزش تا سن 16 سال و برنامه ریزی عاجل برای ریشه کن کردن بیسوادی،
- 5- ایجاد موسسات خدماتی ویژه بمنظور کاهش بار کار خانگی، از قبیل رختشویخانه، مهد کودک و غیره در محلات مسکونی،
- 6- تامین زندگی، امنیت، تفریح و آموزش کودکان بوسیله دولت، مستقل از شرایط خانوادگی آنها،
- 7- تامین زندگی و رفاه معلولین و فراهم آوردن

جنین و یا تحمل شرایط سخت روحی، اقتصادی و اجتماعی در صورت حفظ جنین. فقر و ناتوانی در تامین اقتصادی فرزندان، موانع واقعی و عملی که داشتن فرزند و مراقبت و پرورش او بر سر راه شرکت زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی قرار می دهد و مشکلات اجتماعی داشتن فرزند برای زنان مجرد، باعث می شوند تا بسیاری از زنان خواهان ختم حاملگی خود گردند. در صورت غیر قانونی بودن این عمل، زنان باردار به سقط جنین بوسیله افراد غیر متخصص، تحت شرایط غیربهداشتی و با تحمل هزینه های زیاد تن می دهند. با توجه به این واقعیت، باید حق سقط جنین در صورتیکه خطر جانی برای زن در بر نداشته باشد و سن جنین بیش از 16 هفته نباشد، برای عموم زنان به رسمیت شناخته شود، و سقط جنین به اجازه هیچ فرد و مرجعی به جز خود زن مشروط نمی گردد.

- عمل سقط جنین باید در بیمارستانها و کلینیک ها و تحت نظر پزشک متخصص و بطور رایگان انجام گیرد. افرادی که بدون داشتن تخصص لازم اقدام به انجام این عمل می نمایند، مجرم محسوب شده و تحت تعقیب قانونی قرار میگیرند.

فحشاء

- فحشاء یکی از اشکال ستمی است که در جامعه سرمایه داری بر زنان اعمال می شود مبارزه با فحشاء برای بازیابی حرمت انسانی زن در جامعه، امری حیاتی است. فقر و عدم تامین اجتماعی و محدودیتهای قانونی و عملی، که بر سر راه کار کردن زنان و استقلال مالی آنان وجود دارد، در کنار فرهنگ و اخلاقیات مردسالارانه، از عوامل ایجاد، حفظ و اشاعه فحشاء در جوامع کنونی است. تعصبات و آموزشهای مذهبی، همانگونه که تجربه حکومت اسلامی در ایران نشان داده است، با تقویت مردسالاری و تثبیت موقعیت فروستی زن، خود باعث اشاعه ی فحشاء در جامعه است.

- ریشه کردن کردن فحشاء در گرو مبارزه با کلیه ی عوامل فوق است. بعلاوه برای مقابله با فحشاء اقدامات عاجل زیر ضروری است:

- دولت موظف است که قربانیان فحشاء را به لحاظ اقتصادی تامین کند و امکانات آموزشی و شرایط یافتن شغل و کار مناسب راب ربای آنان تسهیل نماید. واسطه ها و کارگزاران فحشاء باید مورد تعقیب قانونی و مجازات قرار بگیرند.

فصل پنجم:

حقوق کودکان

فیزیکی کار با تصویب نمایندگان منتخب کارگران،
 4. ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احواله
 تصمیم نهایی در همه موارد اخراج به رای مجمع
 عمومی کارگران واحد مربوطه. نظارت نمایندگان
 منتخب کارگران بر امر استخدام،
 5. ممنوعیت هرگونه اضافه کاری،
 6. ممنوعیت شب کاری در تمام رشته ها به استثناء
 رشته هایی که به دلایل فنی و یا رفاه اجتماعی، شب
 کاریدر آنها اجتناب ناپذیر است. پرداخت دستمزد و
 مزایای دوبرابر برای کار شبانه، پرداخت حق شیفت
 برای نوبت کاری
 7. پرداخت دستمزد و مزایای بیشتر برای کار در
 روزهای تعطیلی،
 8. ممنوعیت هرگونه کار-مزدی (اعم از قطعه کاری
 و کار کنتراتی) و ممنوعیت پرداخت دستمزد به صورت
 جنسی و غیر نقدی،
 9. ممنوعیت هرگونه جریمه و کسر دستمزد به بهانه
 های مختلف، پرداخت حقوق برای غیبت های موجه
 دوران بیماری و نقاهت، ضمانت اعتصاب و هر گونه
 توقف تولید به دلایل مختلف و یا به اراده کارفرما،
 10. احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار و
 زمان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در
 کلاسهای سوادآموزی جزء ساعات کار کارگران، تامین
 هزینه ایاب و ذهاب از طرف کارفرما،
 11. تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل
 مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن، مستقل از
 ملاحظات سودجویانه. نظارت و معاینه پزشکی منظم در
 برابر مخاطرات و بیماری های ناشی از نوع کار به
 هزینه کارفرما و دولت ،
 12. بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات
 ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج از
 آن رخ دهد- بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور
 کارفرما و یا مدیریت واحد تولیدی داشته باشد- به هزینه
 کارفرمایان و دولت با تشخیص و نظارت نمایندگان
 منتخب کارگران. پرداخت خسارت به کارگرانی که در
 اثر سوانح و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص
 عضو می شوند و یا توانایی کار کردن را از دست
 میدهند. پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی به
 کارگران مورد اخیر، لغو پرداخت حق بیمه از طرف
 خود کارگران،
 13. تقلیل سن بازنشستگی به 55 سال و یا پس از 25

امکانات لازم برای ابراز وجود اجتماعی آنها توسط دولت،
 8- تامین زندگی و رفاه سالخوردگان و تامین مکانهای
 عمومی و مناسب برای نگهداری از آنها،
 9- لغو هر گونه مالیات غیر مستقیم،
 10- ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از 18 سال و
 آزادی تمام افراد بالاتر از 18 سال در تشکیل خانواده به
 اراده ی خود.

فصل هفتم:

مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر

1. ممنوعیت اکید خرید و فروش مواد مخدر و پیگرد و
 مجازات عاملین تولید، قاچاق و فروش غیر قانونی مواد
 مخدر،
 2. کمک به امر مبارزه با اعتیاد از طریق از میان بردن
 زمینه های اجتماعی و اقتصادی روی آوری افراد به مصرف
 مواد مخدر و حمایت از معتادین در برابر دلالان و شبکه
 های قاچاق و فروش مواد مخدر،
 3. کمک به قربانیان و خانواده آنان برای ترک اعتیاد،

فصل هشتم:

حفاظت از محیط زیست

1. محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست؛ و جلوگیری
 از سوء استفاده از آن وظیفه دولت است.
 2. آلوده کردن منابع طبیعی و هوای مناطق مسکونی باید
 جرم شناخته شود و مستوجب مجازات خاطیان باشد.

فصل نهم:

قانون کار و حقوق کارگران

1. تقلیل کار هفتگی به حداکثر 35 ساعت و مقرر شدن
 حداقل دو روز تعطیل متوالی در هر هفته، 30 روز کاری
 مرخصی سالیانه، علاوه بر تعطیلات رسمی با پرداخت
 حقوق و مزایای کامل،
 2. تعیین حداقل دتمزد رسمی با توافق نمایندگان سراسری
 منتخب کارگران بر پایه هزینه تامین وسایل معیشت و افزایش

سال سابقه کار، ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها، در نظر گرفتن مجموع سنوات کار کارگران در کارخانه ها و یا دوره های مختلف در احتساب پایه حقوق و مزایای کارگران



- در اختیار گرفتن موقوفات و مقرر داشتن مالیات تصاعدی بر ارث و دارائی و بر درآمد های حاصل از مالکیت وسایل تولید و مبادله،
- نظارت شوراهای دموکراتیک مردم بر امر توزیع کالاها
- تا زمانیکه برنامه های مشخص برای گسترش مراکز تولیدی و جبران عقب ماندگی های اقتصادی ناشی از تبعیض ملی به هزینه بودجه دولت مرکزی تامین میگردد، و تا زمانیکه منابع طبیعی ایران در خدمت رفاه عمومی کل جامعه و اجرای پروژه برابرسازی ملیت های ساکن ایران قرار میگیرد، حاکمیت شورایی مردم کردستان درآمد حاصل از منابع طبیعی کردستان را در خدمت برنامه های رفاهی خود قرار میدهد.

سطح دستمزدها متناسب با بالا رفتن بهای وسائل معیشت و با در نظر گرفتن بهبود سطح زندگی،

3. تعیین دستمزد، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب سختی، مخاطرات بهداشتی و دیگر شرایط

14. مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار یکسان. امکان و فرصت سازی در اشتغال، مستقل از جنسیت، ملیت و مذهب.

15. ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، 6 ماه مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر و شاغل بدون کسر حقوق و مزایا. مقرر شدن دو روز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل،

16. ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر 18 سال،

17. تامین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات سازمانی و مسکونی، از قبیل: سالن اجتماعات، سالن استراحت، غذاخوری، زمین و سالن ورزش، باشگاه های تفریحی، درمانگاه، کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان و دولت،

18. تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب کارگران،

19. تشکیل دادگاههای حل اختلاف با هیئت منصفه ای متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در موارد اختلاف کارگر و کارفرما. هزینه تشکیل دادگاه ها باید تماما بر عهده کارفرمایان باشد،

20. تشکیل هیئت های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران. این هیئت ها از چگونگی اجرای نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطور کلی محل کار کارگران بازرسی و حسابرسی خواهند کرد.

اقدامات اقتصادی

حکومت شورایی مردم کردستان برای تامین اهداف و مطالبات اقتصادی و رفاهی فوق و برای گسترش اعمال اراده متشکل و هرچه وسیع تر کارگران و زحمتکشان در حیات اقتصادی و سیاسی خود انجام اقدامات زیر را در دستور کار خود قرار میدهد:

- در اختیار گرفتن کلیه موسسات صنعتی و تجاری وابسته به رژیم جمهوری اسلامی

**زنده باد
کردستان آزاد
و شورایی**

گران شدن نان، یعنی تحمیل فقر و فلاکت بیشتر

کارگری که دستمزدش را ۳۹۰ هزار تومان تعیین کرده اند و با این همه گرانی تنها معادل ۱۸ درصد نسبت به سال گذشته افزایش دستمزد داشته و یک شبه هم نان خشکش را ۳۰ درصد افزایش می دهند، چه نرُمی از زندگی می تواند داشته باشد؟ جز این است که باید از خریدن کفش و لباس بچه اش و از تهیه دیگر وسائل مورد نیاز خانواده اش صرفنظر کند؟ جز این است که باید خود و خانواده اش همچنان در حاشیه شهر باقی بمانند و به دارو و دکتر دسترسی نداشته باشند؟ جز این است که باید بچه هایش را بجای مدرسه فرستادن روانه خیابان ها کند تا آنها بخشی از نان گران شده شان را بخانه آورند؟

گران شدن نان، یعنی بیشتر گرسنگی کشیدن و افزایش خیل گرسنگان، یعنی زندگی فلاکتبارتر برای تهیدستان، یعنی بالا رفتن درجه سوء تغذیه عمومی، یعنی بیشتر مریض شدن و یعنی زودتر ازپا درآمدن! واقعیت این است که نان اصلی ترین ماده غذایی توده وسیعی از مردم است که قطعاً از این پس و با این سطح از قیمت، به آسانی و به اندازه کافی در دسترس آنان قرار نخواهد گرفت و مردم ناچار خواهند شد برای تأمین اش از اقلام دیگر مواد مورد نیازشان بزنند و محرومیت بازهم بیشتری را تحمل کنند.

هم اکنون در میان اقشار کم درآمد جامعه، به دلیل برخورداری نبودن از اولیه ترین و ضروری ترین مواد غذایی نظیر گوشت و سبزی و میوه و شیر و مشتقات آن و تخم مرغ و غیرو، افزایش سوء تغذیه، شیوع انواع بیماری ها و میزان مرگ و میرهای زودرس، روز به روز بیشتر می شوند؛ با گران شدن نان میزان کمبودهای غذایی بازهم بیشتر و تهدیدهای سوء تغذیه ای بمراتب بالاتر می روند.

اما این سرنوشت مردمی که در سرزمینی زندگی می کنند که سرشار از نعمت است، نیست؛ و این شایسته مردم نیست که برای تأمین نان خشک شان مجبور باشند فرزندان شان از مدرسه بیرون بکشند و برای نان

جمهوری اسلامی چند روز پیش و بعد از یک دوره آماده سازی روانی، افزایش قیمت نان را اعلام و همزمان آنرا در چند استان کشور به اجرا درآورد. اگر چه دولت تصمیم به افزایش قیمت نان را از مدتها پیش در دستور داشت، اما همواره از بیم اینکه با اعتراضاتی جدی روبرو شود، ناچار گشت بعد از زمینه سازی های لازم و با احتیاط آنرا اعلام و با اجرا درآورد.

بر اساس توافق دو جانبه دولت و اتحادیه کارفرمایان صنعت نانوائی، قیمت انواع نان بر حسب منطقه و محل تعیین و مقرر گردیده است ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یابند. هم اکنون مردم استان های بوشهر، چهارمحال و بختیاری، لرستان، گیلان، اردبیل و سمنان، نان مورد نیازشان را با قیمتی ۲۰ تا ۳۰ درصد گرانتر از روزهای قبل تهیه می کنند و بزودی نوبت مردم دیگر شهرها و تهران بزرگ هم خواهد رسید.

توجیه افزایش قیمت نان، از نظر صاحبان نانوائی ها، افزایش قیمت خرید آرد و گندم است. افزایش قیمت آرد در هر کیلوگرم ۱۰۰ تومان پیش بینی می شود. بنابراین با افزایش قیمت آرد، قیمت نان هم گران می شود. ظاهراً دولت نیز این توجیه، را پذیرفته است.

با این توجیه و بر اساس مصوبه جدید شورای آرد و نان، قیمت ها تعیین و اعلام و اجرا می گردد. برای نمونه در استانی مانند بوشهر، نرخ لواش معمولی از ۱۱۰ تومان به ۱۴۰ تومان و نرخ سنگک هم به ۷۵۰ تومان رسیده است. در بسیاری دیگر از استان ها نیز به نسبتی تقریباً مشابه با استان بوشهر، قیمت انواع نان بالا رفته است.

توجیهات و استدلالات افزایش قیمت نان از سوی صاحبان صنعت نانوائی و دولت هر چه باشد، به این معناست که از این پس سفره مردمی که نان اساسی ترین و اصلی ترین ماده غذایی آنان است، تهی تر از پیش خواهد بود و این مردم بیشتر از پیش گرسنگی را تجربه خواهند کرد.

همزمان با افزایش قیمت نان و حتی زودتر از آن هم، قیمت آب و برق و گاز نیز تا ۳۰ درصد بالا رفته و دیگر اقلام مایحتاج روزمره زندگی، بعضاً تا بیش از صددرصد هم

افزایش یافته اند. با افزایش قیمت نان در کنار افزایش دیگر کالاهای اساسی مردم، توده های وسیع تری از مردم ایران به زندگی کردن در پایین تر از خط فقر رانده می شوند.

برای پایان دادن به همه این محرومیت ها باید یکپارچه و متحدانه به میدان آمد. تأمین نان و مسکن و بهداشت و سلامت و خدمات درمانی حقوق مسلم همه شهروندان این مملکت اند. لازم است برای تأمین این حقوق مسلم مبارزه کرد. واقعیت این است کارگران و اکثریت مردم ایران که بار گران عوارض بحران سرمایه داری ایران، تشدید تحریم های اقتصادی و پیامد سیاست حذف یارانه ها را به دوش می کشند و آثار ویرانگر آن را هر روزه در چهره فرزندان خود مشاهده می کنند راهی جز مبارزه مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی برایشان باقی نمانده است. رژیم جمهوری اسلامی کارد را به استخوان رسانده است. رژیم راههای عقب نشینی را از قبل بسته است، فقط باید ایستاد و مقابله کرد، باید با مبارزه یکپارچه و متحدانه، تعرض رژیم به سفره خالی مردم را با شکست روبرو کرد.

درآوردن به خیابان بفرستند. هیچ کسی نباید از کمبود مواد غذایی رنج ببرد و با این کمبودها به مرگ تهدید شود. هیچ انسانی نباید به خاطر فقدان نان و درمان و مسکن جاننش را از دست بدهد.

کارگران و توده های مردم در جریان اعتراض و مبارزه تاکنونی خود، آنقدر آزموده شده اند تا با تشخیص موقعیت فعلی و با پیکار علیه فقر و گرسنگی وارد فاز و مرحله جدیدی از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی شوند. اگر مردم یک محله، یک شهر، و چند استان تصمیم بگیرند که علیه گرانی نان دست به اعتراض بزنند و هزینه روز افزون گاز و برق و آب را پرداخت نکنند، رژیم راهی جز عقب نشینی نخواهد داشت. این رسالت کارگران سوسیالیست و پیشرو و شبکه فعالین جنبش های رادیکال اجتماعی است که باید برای به فعل درآوردن این نیروی لایزال و سرنوشت ساز توده های تهدیدست و سازمانیابی آن گام بردارند!

(گفتار روز تلویزیون کومله بتاريخ 10 ژوئن 2012)

زنده باد انقلاب توده ای علیه جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم در ایران

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران

ضرورت مبارزه متحدانه برای کاهش هزینه سرسام آور اجاره مسکن

سرسام آور بالا رفت و در خیلی جاها تا ۳۰ درصد هم افزایش یافت و دولت هر آنچه را که به عنوان راه حل مشکل مسکن طراحی کرده بود با شکست مواجه شد.

وزارت مسکن امسال نیز همچون سال های گذشته ادعا می کند که بازار مسکن را تحت کنترل دارد و با برنامه هایی که در این باره دارد، اجازه نخواهد داد در این بازار قیمت ها افزایش یابند. ظاهراً آلترناتیو رژیم برای پیشگیری از افزایش بی رویه اجاره مسکن از سویی به بهره برداری رسیدن طرح واحدهای مسکن مهر و از سویی دیگر تعیین مالیات بر خانه های خالی بود که عملاً نه تنها تسریعی در روند بهره برداری طرح مسکن مهر صورت نگرفت و خود طرح به افلاس کشیده شد و به محملی برای سوء استفاده های کلان و غارتگری مجریانش تبدیل گردید، که صاحبان خانه خالی نیز، گردن به دادن مالیات نگذاشتند.

جالب اینکه وقتی در رابطه با این طرح های رنگارنگ و میزان موفقیت طرح های دولتی حل مشکل مسکن از معاون وزیر مسکن پرسیده می شود، جز مثنی کلی گویی و حواله دادن به آینده نامعلوم، چیزی برای گفتن ندارد.

اکنون مشاور وزیر راه و شهرسازی، میزان افزایش اجاره بها را تا ۲۰ درصد پذیرفته و اظهار داشته است که: "افزایش اجاره بها متناسب با تورم" بوده است. چنین ادعایی در حالی ابراز می شود که بسیاری از کارشناسان این عرصه، افزایش اجاره بها در سال گذشته را تا ۵۰ درصد هم برآورد کرده اند. مشاور وزیر راه و شهرسازی علت افزایش اجاره بهای مسکن را در دو چیز می داند یکی کمبود عرضه و دیگری سوداگری. او برای غلبه بر این دو عامل، همان وعده هایی را می دهد که دیگر مسولان نیز قبلاً داده بودند و هیچگاه به آخر نرسیده اند و مشکلی هم تخفیف نیافته است.

معضل کمبود و گرانی مسکن در شرایطی حدت می یابد که بر طبق اطلاعات منتشر شده دولت احمدی نژاد از ابتدای سرکار آمدن تا کنون فقط از فروش نفت، حدود ۵۰۰ میلیارد دلار یعنی بالاتر از مجموع درآمد تمام دولت های پیشین در ۲۷ سال قبل از آن درآمد داشته است. چرا دولت علیرغم داشتن چنین بودجه کلانی نتوانسته طرح مسکن مهر را به سرانجام برساند؟ واقعیت این است که دولت طی این سالها دست در دست بساز و بفروش ها و انبوه سازان، بخش خصوصی، با غارت مردم و منابع ثروت این جامعه عامل اصلی محرومیت میلیونها خانواده زحمتکش از دسترسی به

با هر نوسانی در بازار و افزایش عمومی قیمت ها، نرخ اجاره مسکن نیز بالاتر می رود. اجاره مسکن یکی از اقلام سنگین بودجه ماهیانه توده های تنگدست جامعه است و آنانی که از خود خانه ای ندارند و مستأجرند، بیش از هر کسی می دانند که چگونه باید حداقل نیمی از درآمد خویش را برای مسکن نامناسب و ناکافی خود کنار بگذارند. این بخش از هزینه زندگی توده های محروم جامعه، شتابنده تر از سرعت میزان تورم و گرانی های عمومی، بالا می رود.

تا چندی پیش رژیم، عامدانه و به اشکال مختلف تلاش در مسکوت گذاشتن میزان افزایش هزینه مسکن مردم را داشت، یا آماری منتشر نمی کرد و یا با اعلام آمارهای جعلی واقعیات را در هاله ای از ابهام می پوشاند. اما مگر می شود واقعیاتی را که به زندگی خود مردم بستگی دارد و هر کسی به دقت حساب دخل و خرج خودش را دارد و می داند که در ماه چه میزانی از درآمدش را باید برای مسکن کنار بگذارد، پوشانید؟

اکنون که رژیم دریافته است با این پنهانکاری ها نمی تواند بر واقعیت هزینه سرسام آور مسکن مردم سرپوش بگذارد، به گونه ای دیگر به میدان آمده تا با در بوق کردن طرح های شکست خورده و محکوم به شکست تأمین مسکن و دادن وعده و وعیدهای توخالی، مانع شکل گیری خشم و اعتراض مردمی که مجبورند بیش از نیمی از درآمد ناچیزشان را تنها برای مسکن کنار بگذارند، فرو نشاند!

تداوم بالا رفتن هزینه مسکن، کارگزاران رژیم را واداشته است هرازگاهی اینجا و آنجا ظاهر شوند و از طرح ها و برنامه های باصطلاح "حل مشکل مسکن و مستأجران" سخن بگویند و آمار و ارقامی دروغین تحویل دهند و به مردم بی مسکن و مستأجران وعده های سرخرمن بدهند. اما از آنجایی که تا کنون کسی نتایج این وعده و وعیدها را ندیده است، پوچی آنها روز به روز بیشتر برملا می شود. بر اساس یکی از این وعده های پوچ که احمدی نژاد در بوق کرد، قرار است تا سال ۹۲ مشکل مسکن به تمامی حل شود و احدی بی

خانه و کاشانه نماند.

سال گذشته دولت اعلام کرد که اجاره مسکن حداکثر نباید از ۹ درصد بیشتر افزایش یابد، اما دیدیم که چگونه اجاره ها

مسکن مناسب بوده و هستند.

در نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی مانند هر نظام سرمایه داری دیگر مسکن یک کالا است و سرمایه گذاری

در زمینه مسکن هم از قانون تولید سود پیروی می کند. هیچ سرمایه داری بنا به ماهیتی که دارد تولید مسکن را با هدف پاسخگویی به نیاز جامعه و نیاز بی مسکنان تولید نمی کند. جمهوری اسلامی یک رژیم سرکوبگر و خدمتگزار سرمایه داری است. این حکومت از طریق دولت و ارگانهای سرکوبش تمام منابع ثروت جامعه را به گروگان گرفته است. این رژیم در همان حال از رهنمود های صندوق بین المللی پول، یعنی قواعد بازار آزاد و سرمایه داری خصوصی، برای اداره اقتصاد تبعیت میکند. چنین حکومتی، با آن فساد مالی نهادینه شده در ارکانش که هر روز گوشه ای از آن برملا می شود، مسلماً قادر است، مشکل مسکن حل کند.

کارگران و توده های زحمتکش و محروم جامعه باشد. تجربه کشورهای اسکاندیناوی به ما نشان می دهد که زمانی که کارگران بطور متشکل و سازمانیافته برای خواستها و مطالبات خود و از جمله برای تأمین مسکن مناسب مبارزه کرده اند و با مبارزات خود دولت های سرمایه داری حاکم را تحت فشار قرار داده اند تا حدودی به حل معضل مسکن نزدیک شده اند.

تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است هر گونه بهبودی در زمینه کاهش هزینه سرسام آور مسکن و تأمین مسکن مناسب فقط در گرو مبارزه سازمانیافته طبقه کارگر و توده های زحمتکش و محروم جامعه

نان، مسکن، آزادی

را به شعار مبارزاتی توده های کارگر و زحمتکش ایران، علیه فقر
موجود در ایران تبدیل کنیم

Mobarezeye Tabaghati

Nr: 8 15 July 2012

Director: Behrooz Naseri

Edit and layout: Shorsh Abbasi

E.mail: bnaseri@hotmail.com